نگاه

به بهانه تشکیل کارگروه تأمین امنیت دریایی در منامه با ادعای جلوگیری از نفوذ ایران

مناسبات امنیتی در حوزه خلیج فارس

رضا رسالت . کارشناس سیاسی

● خلیج‌فارس به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود یکی از مناطق بسیار مهم و حساس جهان از قرن بیستم محسوب می‌شود. انرژی و امنیت دو موضوع کلیدی و استراتژیک در این منطقه است و ترتیبات امنیتی در خلیج‌فارس همواره مورد توجه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. در پی تحولات اخیر و برپایی کنفرانس ورشو که در ۲۴ بهمن سال گذشته، با صدور بیانیه مشترکی از سوی آندژی دودا رئیس‌جمهوری لهستان و مایک پنس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، آغاز شد، امنیت این حوزه دریایی، بار دیگر مورد توجه مضاعف قرار گرفت. تلاش آمریکا برای اجماع‌سازی جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران، موجب شد تا این اجلاس در کانون توجهات بین‌المللی قرار گیرد. در بیانیه پایانی این کنفرانس مقرر شد کارگروهی تحت عنوان تأمین امنیت دریایی در ۲۹ و ۳۰ مهرماه در منامه تشکیل شود که به عقیده بسیاری از کارشناسان، هدف از تشکیل آن جلوگیری از نفوذ ایران و تنظیم مناسبات امنیتی خلیج‌فارس بود.

خلیج‌فارس یک دریای نیمه‌بسته است که هشت کشور ساحلی آن را فراگرفته‌اند و بزرگ‌ترین آنها از حیث مساحت، عربستان سعودی و از نظر جمعیت، جمهوری اسلامی ایران است. از سوی دیگر ایران با حدود هزار و ۲۶۰ کیلومتر مرز مشترک با خلیج‌فارس، بیشترین کرانه ساحلی را داراست. بحرین به‌عنوان کوچک‌ترین کشور منطقه حالت یک مجمع‌الجزایر متشکل از ۳۵ جزیره را دارد. متغیر ثبات در خلیج‌فارس و استمرار عرضه مطمئن انرژی در اقتصاد جهانی نقشی غیرقابل‌انکار دارد. حدود ۲۳ میلیون بشکه نفت در روز توسط کشورهای حوزه خلیج‌فارس تولید می‌شود که تقریبا ۲۷ درصد از کل نفت جهان را تشکیل می‌دهد. تقریبا حدود ۱۵ میلیون بشکه نفت در هر روز از تنگه ۳۴ مایلی هرمز به خارج حمل می‌شود که این خود سبب شده است تا این آبراهه به نقطه مهمی در اقتصاد جهان تبدیل شود.

ترتیبات امنیتی منطقه را می‌توان برپایه تهدیدات آشکار و نهان نظامی صورت‌بندی کرد، چنانچه طبق این الگو، ترکیبی چندقطبی از کشورهای پیرامونی حوزه خلیج‌فارس وجود دارند که دارای روابطی سیال و مقطعی هستند که در طول زمان در معرض تغییر بوده است. در این الگو منطق موازنه مطرح می‌شود و هر کشور که منافع خود را در خطر می‌بیند به دنبال یافتن متحدان قدرتمند و تشکیل ائتلاف‌های فراسرزمینی است. بر اساس این الگو که شاکله اصلی آن با القائات دولت‌های فرامنطقه‌ای و به‌خصوص آمریکا در ذهن حاکمان منطقه نهادینه شده است، شاهد ثبات و امنیت پایدار نخواهیم بود، چراکه علاوه‌بر منافع کشورهای پیرامونی، منافع کشورهای ثالث نیز بر این معادله افزوده می‌شود و متغیرهای امنیتی را بسیار پیچیده‌تر می‌کند.

الگویی که جمهوری اسلامی ایران به دنبال تحقق آن است، الگوی امنیت مشارکتی است. طبق این ساختار تأمین امنیت خلیج‌فارس یک موضوع مشارکت‌جویانه است که باید با همکاری کشورهای پیرامون خلیج‌فارس محقق شود و حضور هر نیروی فرامنطقه‌ای نه‌تنها کمکی به استقرار امنیت نمی‌کند، بلکه موجب برهم‌زدن ثبات شده و تنش‌آفرین است. در این الگو تضمین‌های امنیتی نه از طریق ائتلاف‌سازی و سلطه‌طلبی، بلکه به واسطه همکاری و پیمان عدم تعرض چندجانبه قابل حصول است. در رویکرد امنیت مشارکت‌جویانه، امنیت به طور فزاینده‌ای به منافع جمعی کشورهای پیرامون گره خورده است، به‌نحوی‌که هر کشور تأمین امنیت خود را در تحقق امنیت دیگری می‌بیند.

با بررسی جوانب موجود به نظر می‌رسد تشکیل چنین کارگروه‌هایی در منطقه، با هدف دامن‌زدن به تنش‌ها صورت می‌پذیرد و به طور قطع محکوم به شکست خواهد بود. بهترین گواه بر این مدعا عدم حضور ایران با بیشترین کرانه مرزی و دراختیارداشتن حیاتی‌ترین نقطه انتقال انرژی در این نشست است. این‌گونه تلاش‌های مذبوحانه که پیش‌تر نیز در نشست ورشو با تحریم بسیاری از کشورها و حتی اتحادیه اروپا مواجه شد، هیچ تأثیری بر مناسبات امنیتی جمهوری اسلامی ایران نخواهد داشت و صرفا با هدف تبلیغاتی و ارعاب‌افکنی در منطقه تشکیل شده است که هدف غایی آن فروش تسلیحات بیشتر و استثمار شیخ‌نشین‌های حوزه خلیج‌فارس خواهد بود.

به بهانه هشدارهای پمپئو و هوک درباره پایان محدودیت تسلیحاتی ایران

هراس آمریکا از برجام در ۲۰۲۰

ادامه از صفحه‌اول

روند تصویب قطع‌نامه علیه ایران، بعد از ۱۹۲۹ نیز ادامه داشت، اما پس از آن، بیشتر قطع‌نامه‌ها و تحریم‌ها، ساختارهای بانکی و مالی ایران را هدف می‌گرفتند و تحریم‌های تسلیحاتی در همین مراحل به اوج رسید. در این روند، این سازمان ملل است که با پشتوانه شورای امنیت تحریم‌ها را علیه ایران اعمال می‌کند.

برجام و پایان محدودیت تسلیحاتی ایران

در هفته‌های پایانی مذاکرات هسته‌ای بین ایران، ۱+۵ و اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۵، مسئله لغو تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی ایران نیز مطرح و با استقبال روسیه و چین نیز همراه شد، تا جایی که مسکو خواستار این شد که این تحریم‌ها باید از اولین تحریم‌هایی باشند که لغو می‌شوند. در پایان مذاکرات، توافق بر این قرار گرفت که تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی ایران به صورت تدریجی و مرحله‌به‌مرحله برداشته شوند. قطع‌نامه معروف ۲۲۳۱ به تبیین این موضوع می‌پردازد که تحریم‌های تسلیحاتی به پنج سال پس از توافق محدود شوند، با این تبصره که در همین مدت نیز ایران قادر به خرید «تسلیحات متعارف» طبق تعریف سازمان ملل خواهد بود.

تحریم‌های موشکی، با سیستمی مشابه اما با بازه‌ای هشت‌ساله، برداشته خواهند شد. در این زمینه هم ایران در دوران محدودیت مجاز است با کسب تأیید شورای امنیت سازمان ملل، مواد مورد نیاز برنامه موشکی خود را تهیه کند. برخلاف قطع‌نامه ۱۹۲۹ که هرگونه فعالیت موشکی ایران را «منع» می‌کند، در قطع‌نامه ۲۲۳۱، از ایران «خواسته شده است» تا در زمینه موشک‌های بالستیک فعالیت نکند.

برجام، تحت فشار اما همچنان کارآمد

نکته مهم در این میان این است که لغو تحریم‌ها در این فرایند، احتیاج به تأیید، گزارش، امضا یا توافق دیگری ندارد. درواقع با توجه به قطع‌نامه ۲۲۳۱، لغو تحریم‌های تسلیحاتی به طور خودکار و به‌عنوان حالت پیش‌فرض اتفاق خواهد افتاد. دلیل تاکیدها و هشدارهای مکرر مقامات آمریکایی نیز همین است: این ادامه محدودیت‌هاست که نیاز به حکم، قطع‌نامه، توافق، امضا و... دارد. اگر تا اکتبر یا همان مهر آینده، کسی کاری نکند و کسی به درخواست‌های پمپئو و مشاورش توجه نکند، تحریم‌ها طبق برجام پایان خواهند یافت. این درواقع همچنان از نتایج باقی‌مانده همان برجامی است که آمریکا به آن حمله می‌کند، اروپا نسبت به آن تعلل می‌کند و در داخل نیز «جنازه» توصیف می‌شود. به تعبیری می‌توان گفت، علی‌رغم تخطی ایالات متحده از قانون و ناکامی‌ها در بهره‌مندی از برجام، آن‌طور که تصور می‌شد، ادامه حضور ایران در برجام، همچنان مزایایی از جمله اجرائی‌شدن بندهای این‌چنینی را دارد و خواهد داشت. ایران با حفظ وضعیت فعلی برجام، حتی بدون اینکه اروپایی‌ها پیگیر جدی تعهدهای اقتصادی برای ایران باشند هم می‌تواند از امکاناتی که در قطع‌نامه ۲۲۳۱ و توافق‌های مربوط به آن امضا شده، مرحله‌به‌مرحله بهره‌مند شود. به همین دلیل است که این دو مقام آمریکایی، مدام در پی آن هستند که متحدان خود را قانع کنند، پیش از اینکه روز موعود فرابرسد، با ایالات متحده همراه شوند. پمپئو همین جمعه در میانه سفر به اسرائیل، نسبت به پایان‌یافتن مدت تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل علیه ایران در سال ۲۰۲۰ ابراز نگرانی کرد: «به دلیل توافق هسته‌ای ناقص ایران، تحریم تسلیحاتی سازمان ملل در مورد ایران سال آینده پایان می‌یابد. کشورهایی مانند روسیه و چین می‌توانند به ایران تسلیحات پیچیده بفروشند. ایران نیز آزاد خواهد بود تا سلاح‌های پیچیده را به هرکسی بفروشد. این مسئله رقابت تسلیحاتی جدیدی را در خاورمیانه آغاز می‌کند».یک روز بعد از این موضع‌گیری، هوک، مشاور ارشد وی نیز با پیامی ویدئویی این هشدار را تکرار کرد: «یک سال دیگر از امروز تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل علیه حکومت ایران به پایان خواهد رسید. ایران قادر خواهد بود تسلیحات پیشرفته خرید و فروش کند که به مسابقه تسلیحاتی تازه در خاورمیانه منجر خواهد شد». وزیر خارجه آمریکا پیش‌تر در نشست شورای امنیت برای گزارش برجامی دبیر کل سازمان ملل هم به آنچه اکتبر ۲۰۲۰، یعنی یک سال دیگر رخ خواهد داد، اشاره کرده است.

آیا ایران واقعا خواهد توانست خرید تسلیحاتی داشته باشد؟

از پاییز آینده، تحریم‌های تسلیحاتی ایران به پایان می‌رسد. سؤالی که در این میان باقی می‌ماند، این است که آیا ایران واقعا در فضای بعد از این تحریم‌ها خواهد توانست تسلیحات بخرد؟ به عبارتی در شرایطی که تجارت برخی اقلام کم‌حاشیه‌تر به دلیل تحریم‌های آمریکا علیه ایران به مشکل خورده‌اند، خرید سلاح ممکن خواهد بود؟ آیا ایران همچنان محدود به تعامل با همسایه شمالی خود خواهد بود؟

منبعی آگاه در این زمینه به «شرق» می‌گوید اتفاقا خرید سلاح بعد از پاییز آینده برای ایران، حتی از خرید دارو هم آسان‌تر خواهد بود. تجارت اسلحه، تجارت پول‌سازی است که رفع محدودیت‌های یک مشتری، آن هم در حد و اندازه ایران را پذیرا خواهد بود؛ اما مسئله بعد دیگری دارد که امکان این تجارت را برای ایران بالا می‌برد؛ تفاوت بخش خصوصی و دولتی در مقابل تحریم‌های یک‌جانبه.

محدودیت ایران در تهیه اقلام مختلف کالا، در حال حاضر به دلیل تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده است که نه بر اساس حقوق بین‌الملل که بر اساس شرط‌وشروط بازار آمریکا عمل می‌کنند: اگر شرکتی با ایران تجارت کند، از بازار آمریکا محروم می‌شود. اما صنعت اسلحه در بسیاری از کشورها، یک صنعت کاملا دولتی است و در اختیار بخش خاصی از دولت. از ارتش‌های روسیه و چین به عنوان برجامی‌های نزدیک به ایران گرفته تا دستگاه‌های نظامی کشورهای مختلف اروپایی، تولیدکنندگان یا متولیان تولید اسلحه، منفعتی در بازار آمریکایی ندارند که خود، با فاصله بیشترین بودجه نظامی را دارد. به همین مناسبت، عملا تهدید محرومیت از بازار آمریکا نیز برای آنها معنایی نخواهد داشت. به همین مناسبت و در غیاب تحریم سازمان مللی، کسانی که ممکن است ایران خواستار خرید امکانات تسلیحاتی از آنها باشد، بسیار ساده‌تر از فروشندگان احتمالی اقلام دیگر می‌توانند در این‌باره وارد معامله شوند. به عبارت دیگر، بعد از سال‌ها محدودیت‌های تسلیحاتی که عملا ایران را ناچار کرده با استفاده از روش‌های مختلف از جمله مهندسی معکوس، به دنبال تأمین نیازهای نظامی خود باشد، پاییز بعد، نه‌تنها به بازار تسلیحاتی کشورهای مختلف جهان دسترسی خواهد یافت، بلکه خواهد توانست به عنوان یک مشتری رسمی، معاملات تسلیحاتی را نیز به جعبه ابزار تعاملات بین‌المللی خود بیفزاید.

آنچه ایالات متحده می‌تواند از رویارویی با ایران بیاموزد

مترجم: مونس نظری: در جولای سال ۲۰۰۶ قاسم سلیمانی در جنوب بیروت با خطر ترور مواجه شد. اوایل این ماه فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مصاحبه‌ای بی‌سابقه برای اولین بار فاش کرد که وی در جریان جنگ ۳۳روزه میان اسرائیل و حزب‌الله که مشهور به جنگ جولای است، برای حمایت از هم‌پیمانان شیعی خود در لبنان حضور داشته است. سلیمانی از زمانی می‌گوید که به همراه حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان، هدف هواپیماهای بی‌سرنشین اسرائیلی شده بودند. با شدت‌گرفتن کارزار اسرائیل، سلیمانی میان لبنان و ایران در آمدوشد بود. همراه با کارزار نبرد، تهران به‌روزرسانی می‌شد و از حزب‌الله پشتیبانی می‌کرد. از او سؤال شد که آیا ایران در صورت کشته‌شدن فرمانده سپاه، علیه ریسک مستقیم جنگ با اسرائیل تعهدی به حزب‌الله داشته و پاسخ او این بود: «بی‌تردید». سوی مقابل این صحنه، حوادث شمال شرق سوریه است. در آنجا آمریکا به دستور رئیس‌جمهور ترامپ، شریک محلی خود یعنی نیروی دموکراتیک سوریه را در زمان نیاز رها کرد. به پشتوانه آمریکا، آنها از استحکامات مرزی‌شان علیه ترک‌ها دفاع کردند و بعد ناگهان حمایت آمریکا را به طور کامل از دست دادند. و حالا آمریکا خود را در معرض یورش ترکیه قرار داده؛ اتفاقی که تاکنون به قتل صدها نفر و آواره‌شدن ده‌ها هزار نفر منجر شده و فرصتی جدید به دشمنان آمریکا، یعنی روسیه، ایران و سوریه و داعش داده است. به نظر می‌رسد ایالات متحده پس از صرف میلیاردها دلار برای تسلیحات غلبه بر داعش، پس از دریافت تماسی تلفنی از اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه، همه اقداماتش را بی‌اثر کرد. با عقب‌نشینی آمریکا، داعش مجددا در نقش ارتشی تروریستی قوت می‌گیرد. رویکردی که ایران در مورد جنگ‌های پروکسی و نحوه همکاری با شرکای محلی‌شان اتخاذ می‌کند، می‌تواند درس‌های بزرگی به ایالات متحده بدهد. تحلیل‌های من برگرفته از تجربیاتم به‌عنوان سیاست‌گذاری آمریکایی است که ضمن خدمت در پنتاگون، به عنوان مشاور کارزار ضدداعش نیز وارد عمل شده، ایران و متحدانش را در CIA تحت بررسی قرار دادم. آنچه واضح است اینکه تمرکز ایران بر ایجاد روابط استراتژیک و طولانی‌مدت در تضاد کامل با رویکرد معامله‌گرایانه ماست.

به‌وسیله، با چه کسی؟

ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها نگرش مشابهی به جنگ نیابتی دارند، زیرا هزینه‌های مداخله مستقیم ارتش، چه از لحاظ مالی و چه جانی، بسیار بالاست. به‌همین دلیل این دو به جای گماردن نیروهایشان برای جنگ‌های خشونت‌آمیز زمینی، استراتژی‌هایی را برای کار «با، و از طریق» شرکای محلی اتخاذ کرده‌اند. هر دو طرف، تعداد کمی از نیروهای عملیات ویژه را برای آموزش و مشاوره‌دادن به این شرکا اعزام می‌کنند و از توان نظامی و تکنولوژیکی خود برای فراهم‌کردن «عاملان اصلی»، نظیر هوش، حملات هوایی و پشتیبانی لجستیکی برای پیشبرد عملیات نیابتی خود استفاده می‌کنند. ولی اینجا جایی است که شباهت‌ها به آن منتهی می‌شوند. اول اینکه چرا ایران و آمریکا در وهله اول مداخله می‌کنند. درحالی‌که نیروهای آمریکایی، شرکای محلی را برای تأمین امنیت و اداره مناطق مزبور آموزش می‌دهند، مأموریت ثانوی‌شان دوری‌جستن از عملیات فوری نظامی است. چنین سرمایه‌گذاری‌ای در درجه اول نظامی و کوتاه‌مدت است؛ بی‌آنکه هیچ راهبرد صریح و برنامه دیپلماتیک امنیتی و منطقه‌ای داشته باشد. نیروهای آمریکایی هنگامی که عملیاتشان به انجام برسد، کشور میزبان را بی‌هیچ راهبرد سیاسی روشنی ترک می‌کنند. رهبران حزب دموکرات کردستان حالا خود را در وضعیت نامناسبی می‌بینند که هیچ پشتیبان داخلی و خارجی‌ای در سوریه ندارد. دوم اینکه آمریکا چه کسانی را انتخاب می‌کند. ایران برای مشارکت‌های خود از انتخاب‌های طبیعی برخوردار است: گروه‌هایی که هویت مشترکی به عنوان اعضای «محور مقاومت» در برابر اسرائیل، ایالات متحده و عربستان سعودی دارند. این پیوند عقیدتی در ستون جنگ‌های متعدد عمیق‌تر نیز شده است، در حال حاضر ایالات متحده به دلیل انفصال جغرافیایی و تاریخی‌اش، شرکای خود را بر اساس توانایی‌ها و اراده‌شان برای جنگ انتخاب می‌کند. مشکل اینجاست که هر دو این مؤلفه‌ها در گذر زمان قابل تغییر یا تضعیف‌اند. گرچه شبه‌نظامیان قادرند قلمرو تحت تصرف تروریست‌ها را پاک‌سازی کنند، اما ممکن است برای دفاع، سیاست‌گذاری و مدیریت نواحی در مواقع لزوم گزینه‌های مناسبی نباشند؛ به‌ویژه مواقعی که متعلق به ناحیه موردنظر نیستند. با وجود انگیزه لازم برای مقابله با دشمن مشترک، نایبان ممکن است دشمنان دیگری نیز داشته باشند که نهایتا توجه و قوای نظامی خود را وقف آنها کنند؛ اتفاقی که به‌هیچ وجه همسو با اهداف ایالات متحده نباشد. نیروهای دموکراتیک سوریه از این دست هستند.

قطب‌ها و متحدان

آرام‌آرام، اما به‌یقین، ایران «محور مقاومت» خود را با حزب‌الله و سوریه به اتحادی منطقه‌ای از عراق تا یمن تبدیل کرده است. حالا دیگر همراهان ایران، گروه‌هایی نظیر حزب‌الله، حوثی‌ها و عراقی‌ها، در نقش بازیگرانی سیاسی نظامی، پشت به پشت هم، متعهد و در دفاع متقابل‌اند؛ مقاومتی در ناتو (در اصطلاح می‌توان این‌طور به آن اشاره کرد)، با نفوذ سیاسی در پایتخت‌های مهم و کلیدی عرب و شبکه‌ای از شرکای اختصاصی. در واقع می‌توان گفت ایران بازده بالایی در سرمایه‌گذاری‌هایش داشته است. تهران حالا قدرت بیشتری در رویارویی با مخالفان خود، در دفاع از ارزش‌ها و اهدافش دارد و به‌طور کلی بهتر می‌تواند سیاست‌ها و رویدادهای منطقه را به نفع خود هدایت کند. برای مثال، جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، صراحتا اعلام کرد حضور اشغالی ایالات متحده در سوریه بی‌دلیل بوده و سخاوتمندانه پیشنهاد «گردهمایی کردهای سوریه، دولت سوریه و ترکیه برای حفاظت از مرزها» را داد. چه اشتباهی ممکن است رخ دهد؟ درحالی‌که جواد ظریف از سویی بر آرام‌سازی فشارها و گروه‌های دیپلماتیک کار می‌کند و قاسم سلیمانی، از هم‌قطارانش، در میانه عرصه در سوریه و لبنان حضور دارد. ما در نتیجه اعمال تحریم‌های ایالات متحده علیه تهران و کمپین «فشار حداکثری» دولت نیز شاهد این موضوع بوده‌ایم. ایران علی‌رغم انکارهای ظریف و کم‌رنگش، با علم به بی‌میلی رئیس‌جمهوری آمریکا به جنگ نظامی، با شروع حملات به تانکرها، سرنگونی یک هواپیمای بدون سرنشین آمریکایی و... اطمینان داشت عمل متقابلی از سوی آمریکا در پیش نخواهد بود. در واقع ترامپ در آخرین لحظه از موضع تهاجمی‌اش عقب‌نشینی و ثابت کرد اعزام احتمالی هزاران سرباز آمریکایی فقط با هدف بازداشتن ایران و اطمینان‌بخشی به سران عربی بوده و نه رویارویی مستقیم با آنها. «محور مقاومت» ایران گزینه‌های مختلفی را برای فشار و عمل متقابل فراهم می‌آورد. برای ایالات متحده نیز رویکردهای کوتاه‌مدت، مأموریت‌محور و معامله‌گرانه به جنگ‌های نیابتی، در عین منافعی که در پی دارد، می‌تواند بستر بیزاری مردم آمریکا از «گرفتارشدن» در «جنگ‌های ابدی» باشد. اما تمرکز بر اهداف نظامی به قیمت استراتژی‌های سیاسی و امتداد بقا در آینده این جنگ‌ها به معنای نبردهایی «توأمان برد و باخت» یا برگشت‌پذیر است. چه نمونه‌ای واضح‌تر از شمال شرقی روسیه؛ جایی که جریان‌یافتن جنگ میان ترک‌ها و کردها به تجدید حیات داعش خواهد انجامید. هرچند دردناک، باید اعتراف کرد درس‌هایی هست که ایالات متحده باید از ایران بگیرد. دستیابی توأمان به پیروزی کوتاه‌مدت و امنیت درازمدت بدون پشتیبانی نظامی و دیپلماتیک شرکای محلی؛ از آن نوع که ایران برای حزب‌الله فراهم آورده است، کار ساده‌ای نیست؛ فقط با تغییر تمرکز مشارکت‌هایمان از حالت فوریتی و تاکتیکی به حالتی استراتژیک و پایدار که امید می‌رود ایالات متحده به سمتش برود... حالا اگر امروز و در سوریه نشد هم در میدان‌های نبرد آینده.

منبع: آتلانتیک

رویداد

نارضایتی اردوغان از «صداهای ناهنجار» در ایران

● **شرق:** رئیس‌جمهور ترکیه از روحانی خواست «صداهای ناهنجار» در ایران را ساکت کند. رجب طیب اردوغان که برای دیدار با رئیس‌جمهور روسیه در این کشور است، گفت از موضع‌گیری‌هایی که در ایران در مورد عملیات نظامی ترکیه در سوریه دیده است، «ناراحت» است. اردوغان در جمع خبرنگاران گفت: «از ایران صداهای ناهنجاری به گوش می‌رسد. روحانی باید از ابتدا این صداها را ساکت می‌کرد. این صداها من و همکارانم را ناراحت می‌کند». اردوغان می‌گوید این کشور در برنامه هسته‌ای پشت ایران بوده، اما حال «اظهاراتی آزاردهنده از سوی برخی مقامات ایران» در مورد عملیات نظامی ترکیه در سوریه شنیده است. دویچه‌وله می‌نویسد: اردوغان ضمن تأکید بر اینکه ترکیه، روسیه و ایران سه کشور طرف توافق‌نامه سوچی هستند، به طور تلویحی خواستار حمایت همه‌جانبه ایران از تمام سیاست‌های خود شد. او با اشاره به منتقدان عملیات نظامی ترکیه در ایران گفت: «این اقدامات نادرست است. اظهارات آنان در این زمینه را محکوم می‌کنم».

اشاره اردوغان به «صداهای ناهنجار» در ایران در حالی مطرح می‌شود که بسیاری از رسانه‌ها، خبرنگاران و شخصیت‌ها، عملیات ترکیه در شمال سوریه علیه کُردهای این منطقه را محکوم کرده و اردوغان را بابت آن هدف انتقاداتی تند قرار داده‌اند. همچنین در شهرهای مختلف ایران، تجمعاتی در اعتراض به این عملیات برگزار شده است.از سوی دیگر اما همان‌طور که رئیس‌جمهور ترکیه در اعتراض خود اشاره کرده است، مقامات ایرانی نیز علیه اقدامات ترکیه در این زمینه موضع گرفته‌اند. در آخرین اظهارنظر در این زمینه، عباس موسوی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، دوشنبه در نشست خبری خود، «حضور نظامی ترکیه در سوریه» را «غیرقابل‌قبول» و «تعرض به حاکمیت ملی سوریه» خوانده بود. وی گفته بود: «ما تأکید بر این داریم که باید به حاکمیت ارضی و ملی سوریه احترام گذاشته شود و اگر اختلافی وجود دارد از طریق مکانیسم‌های مشخصی که هست حل‌وفصل شود که یکی از مکانیسم‌های مهم در این زمینه توافق آداناست که چند سال پیش بین دو کشور ترکیه و سوریه به امضا رسیده است». پیش‌تر وزارت خارجه ایران با صدور بیانیه‌ای خواستار «توقف فوری حملات و خروج نظامیان ترکیه از خاک سوریه» شده بود.حسن روحانی، رئیس‌جمهور، نیز در نشست خبری هفته گذشته‌اش رویکرد ترکیه در قبال مسئله مرزی‌اش با سوریه را «نگران‌کننده» خوانده و ابراز امیدواری کرده بود «زودتر شاهد پایان این حرکت ترکیه» باشد. رئیس‌جمهور پیش‌تر نیز در حاشیه جلسه هیئت دولت از ترکیه خواسته بود درباره مسیر انتخاب‌شده تجدیدنظر کند.محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، نیز از حملات ترکیه انتقاد کرده و خواستار اجرای توافق آدانا به‌عنوان راه‌حل رفع نگرانی‌ها شده بود. ظریف در توییتی دراین‌باره نوشته بود: «ضرورت حال‌حاضر این است که تهاجم به داخل سوریه پایان یابد». او ادامه داده بود: «ضروری است که اصول بنیادی حقوق بین‌الملل بشردوستانه به طور کامل رعایت شود: تمایز قائل‌شدن میان غیرنظامیان و جنگجویان و ممنوعیت تحمیل آسیب غیرلازم».در همین رابطه و در واکنش به حملات ترکیه به مناطق کردنشین سوریه، علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، نیز سفر خود به استانبول را لغو کرد. لاریجانی قرار بود به دعوت رسمی رئیس مجلس ترکیه، به منظور شرکت در اجلاسی پارلمانی عازم استانبول شود. برخی از نمایندگان مجلس ایران نیز در نطق‌ها و موضع‌گیری‌های علنی، عملیات ترکیه را محکوم کرده‌اند.

نوبت اول

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

آگهی فراخوان مناقصه عمومی شماره ۸۰۰-۳-۹۸

شناسه آگهی: ۱۳۹۸.۴۶۲۶

شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در نظر دارد کالای مورد نیاز خود را مطابق جدول زیر از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای تامین نماید

شماره‌قلم	موضوع مناقصه	جمع عددی	شماره‌تقاضا
۱	SEALED MAINTENACE FREE(SMF). 12 BATTERIES VOLTS.STARTER TYPE WITH FOLLOWING SPECIFICATION.MINIMIZE GASSING.EYE INDICATOR HEAT RESIST TEVNOLOGY(HRT) CAPACITY AT DISCHARGE TIME 20HOUR 60 AH.20HR	۸۰۰	۰۱-۳۱-۹۶۳۳۰۲۳
۲	74A-H-20HR	۲۰۰	
۳	90A-H-20HR	۵۰۰	
۴	150A-H-20HR	۳۰۰	
۵	200A-H-20HR	۱۵۰	

لذا کلیه فروشندگانی که فعالیت آنها مرتبط با شرح کالای مورد درخواست می‌باشد. می‌بایست ظرف مدت ۱۴ روز از تاریخ درج آگهی فراخوان با مراجعه به سایت اینترنتی ذیل‌الذکر، نسبت به استخراج و تکمیل« فرم تعهدنامه ارائه کالا مطابق با استانداردهای شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب» و ارسال آن به همراه مدارک و مستندات لازم منطبق با موارد مندرج در جدول ارزیابی کیفی(برای معاملات کمتر از بیست برابر نصاب معاملات متوسط) به آدرس پستی مندرج در فراخوان اقدام نمایند.

فرم پرسشنامه ارزیابی ← مدیریت تدارکات و امور کالا ← مزایده و مناقصه ← WWW.NISOC.IR

کسب حداقل نمره ۶۰ در ارزیابی کیفی جهت تحویل اسناد مناقصه به فروشندگان سازندگان الزامی است.
ضمناً مبلغ تضمین شرکت در مناقصه۷۵۳/۵۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد.
توضیح: کالای مورد تقاضا با تولید داخلی مورد تایید می‌باشد.
آدرس پستی: اهواز- کوی فدائیان اسلام(نیوساید)- خیابان شهریور- مجتمع تدارکات و امور کالا- ساختمان ۱۱۱- اداره تدارکات خرید کالای داخلی- واحد خرید کالای ترابری اتاق ۱۵ کدپستی ۶۱۱۳۸-۵۴۵۷۹ تلفن: ۲۵۴۳۵-۰۶۱-۳۴۱
درگاه‌های اینترنتی مرتبط جهت رویت و مطالعه شرایط مناقصه و سایر مشخصات فنی و مقادیر کالا
WWW.IETS.MPORG.IR WWW.NISOC.IR WWW.SHANA.IR

آدرس اینترنتی جهت دسترسی به اسناد و مدارک مناقصه، آخرین مهلت تحویل پاکات به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب و همچنین تاریخ گشایش پاکات فنی، متعاقباً به مناقصه گرانی که صلاحیت دریافت اسناد و مدارک مناقصه را احراز نموده‌اند، به صورت مکتوب اعلام خواهد گردید.

روابط عمومی شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب